

متن کامل گزارش موريس كاپيتورن

نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد
پیرامون وضع حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

برگردان: دکتر منوچهر تهرانی
جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران (برلین)
شنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۰

یادداشت دبیر کل: (دبیر کل افتخار دارد گزارش مقدماتی موريس كاپيتورن نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر درباره وضع حقوق بشر در جمهوری اسلامی را به موجب تصمیمی که توسط شورای اقتصادی / اجتماعی در نشست ۲۰۰۱ گرفته شده است ارائه کند.) در انطباق با قطعنامه شماره ۲۲۲/۵۵ مجمع عمومی بخش سوم پاراگراف ۱۰ این گزارش در تاریخ ۱۰ اوت ۲۰۰۱ عرضه شده تا اطلاعاتی هر چه تازه‌تر را بتواند در خود درج داشته باشد.

خلاصه:

در خواستی نیرومند و فزاینده برای انجام اصلاحات از سوی مردم ایران وجود دارد. تا این تاریخ با همه تلاشهای مستمر برخی از مقامات در جهت ناکام کردن این درخواست پیشرفتهایی حاصل شده است.

سرکوب همه جانبه مطبوعات اصلاح طلب در طول پانزده ماه گذشته اثر منفی عمده ای در ارتقاء حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران داشته است. وضع زنان بویژه وضع حقوقی ایشان همچنان سخت تبعیض آمیز است. کوششهای مختصر برای اصلاح وضع غالباً توسط مقامات سیاسی محافظه کاری که از سوی مردم برگزیده نشده اند ناکام مانده اند. گرایشهای پدرسالارانه در شکل بکارگرفتن قهر در خانه و در چشم انداز محدودی که زنان برای ورود به نیروی کار دارند نیک آشکار می افتد.

نشانه های آغازین انجام دگرگونیهای مهم در نظام قضائی به چشم می خورند اما هنوز راه درازی در پیش روست. تا این زمان کاهشی در استفاده سوء از بازداشت پیش از دادرسی مشاهده نشده است. بسیاری از مجازاتهای معمول نقض فاحش هنجارهای بین المللی حقوق بشرند از آن جمله و به ویژه سنگسار و سربردیدن.

جامعه ایرانی تجربه اندکی در گفت و شنود مدنی دارد که منجر به تحقق تغییرها صلح آمیز می شود. نحوه رفتار با فعالان و ناراضیان بخصوص توسط نیروهای امنیتی و قضائی نشانگر ناشکیبایی وحشت‌انگیزی در برابر دگراندیشی است. رفتار با دگراندیشان که برخی از ایشان در مبارزه علیه شاه هم مشارکت می داشتند کم از رذالت نیست.

میان بخشهای انتخاب شده (از سوی مردم) و بخشهای غیر انتخابی حکومت پیرامون سیاستهای بنیانی و تصمیمهای تقنینی برای انجام اصلاحات رویارویی وجود دارد و مردم ایران برای این امر بهای گزافی می پردازند.

اقلیتهای مذهبی و نژادی همچنان با تبعیض های رسمی و اجتماعی و گاه با تعذیب مواجه هستند ولی اینان درخواستهای خود را بالاخص درباره حقوق اقتصادی و فرهنگی خویش روز بروز فاشتر می گویند.

ایران با بحران اقتصادی بزرگی روبروست. تورم بیکاری و فقر از جمله علت‌هایی است که وضع اجتماعی بیشتر ایرانیان را رو به خرابی می راند. بهائی که با حقوق بشر برای بحران تادیه می شود بسیار بالاست. گزینش یک استراتژی جامع برای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی می باید در اولویت بالای برنامه های حکومت باشد.

اول - سرآغاز

۱ - زمان مورد بررسی در این گزارش - یعنی شش ماه نخستین سال ۲۰۰۱ - بازمه دوره ای پرتلاطم در جمهوری اسلامی ایران می بود. در مجموع صدهایی که به درخواست برای انجام اصلاحات بر می‌خاست نیرومندتر شد آن هم با وجود سرکوب بسیاری از مطبوعات اصلاح طلب. رئیس جمهوری به طور عمده نسبت به تصور از "جمهوری اسلامی" صادق برجای ماند ولیکن با مخالفت دهشتناکی در راه تحقق بخشیدن به طرحی که برای کشور در انداخته بود مقابل شد. در جریان تجدید انتخابش در ماه ژوئن ۲۰۰۱ بسیاری بودند بویژه جوانان که صدای خود را در بیان صریح سرخوردگی خویش از بطوء جریان اصلاحات بیرون می‌دادند.

۲ - غالباً این بحث پیش می‌آید که وضع جامعه‌ای مثل جامعه ایران را که در طول تاریخ دراز خود تنها خودکامگی را شناخته است باید در نظر داشت. چنین جامعه ای هراندازه دلبسته ب مفاهیم نوینی چون حکومت قانون مردمسالاری و حقوق بشر باشد می باید که راه دشواری را که درش موانع فراوان ریخته است پی سپر کند. تجدید بنای جامعه در آنجاها که با موفقیت توأم بوده معمولاً با فرایندی دراز آهنگ و دردناک همراه شده است.

۳ - بر چنین زمینه ای اغلب به نماینده ویژه گفته شده است که درباره جمهوری اسلامی ایران می باید بیشتر بر پایه گرایش عمومی اش به سوی توسعه داوری کرد تا بر مبنای موانعی که با آنها مواجه است. نماینده ویژه این نظر را می‌فهمد و بدان قدر می‌نهد ولیکن آدمی را قدرت آن نیست که به یکباره چندین دهه را ندیده بگیرد و پیشرفت کشوری را به سوی اهدافی که خود اعلام داشته بسنجد. ایران در بسیاری از عرصه ها با جامعه بین المللی به کمال پیوند دارد و عضو بیشتر ابزارهای اساسی تضمین حقوق بشر از جمله پاره ای از ابزارهای "سازمان بین المللی کار" است که ملازمه دارند با ارائه گزارش و قبول انجام بازرسیها. جهان در جوار جمهوری اسلامی است و مرابطه ها با جامعه بین المللی باید افزایش یابد. به اعتقاد نماینده ویژه دیگر نمی توان نظر دنیا را از نحوه رفتاری که حکومت با اتباع خودش می کند برگرفت.

۴ - نماینده ویژه را تردیدی نیست که اکثر ایرانیان از هر صنف و طبقه ای معتقدند که در آغاز سده بیست و یکم اینان سزاوار حکومتی بهتر و مسئولترند و جامعه ای را می طلبند که درش افراد از احترام بیشتری نسبت به ارج ذاتی خود برخوردار باشند. ۵ - نماینده ویژه باور دارد که در وارد ساختن ارزشهای حقوق بشری به درون جامعه ایرانی پیشرفت حاصل شده است و دگرگونی که در گفت و شنود در ظرف شش سال گذشته روی نموده گواهی است بر این پیشرفت. از پاره ای جهات به نظر می رسد که حکومت از مردم عقب افتاده باشد مردمی که از مجرای نمایندگان منتخب خویش تمایل خود را به تغییر آشکار ساخته اند.

۶ - در گزارش حاضر نماینده ویژه همه توان خود را بکار گرفته تا رشته رویدادهای مهم حقوق بشر را در جمهوری اسلامی ایران در شش ماه نخست سال به کف آورد. اینان امکان دارد خود با لذات صاحب اهمیت باشند و یا به عنوان شاخصی از یک روند گسترده تر جالب بنمایند. این امر الزاماً مساله رجحان نهادن بر عرصه ها و بر مطلبها را پیش می‌کشد و نماینده ویژه درک می کند که همگان نمی توانند با گزینشهای وی موافق باشند. تصویر کلی به یقین تصویری درهم است اما باید امید بست که به لحاظ سود ایرانیان پیشرفتی شتابنده تر برای وصول به هدف حاصل آید هدفی که تامین حقوق بشر است و همه ارزشهایی که این حقوق با خود به همراه می آورند.

۷ - برای انجام وظیفه ای که به وی محول شده است نماینده ویژه منابع اطلاعاتی بسیاری را بکار گرفته است و از جمله حکومت جمهوری اسلامی دیگر حکومتها افراد سازمانهای غیر دولتی (NGO) و رسانه های همگانی ایرانی و بین المللی.

دوم - آزادی بیان

۸ - در آخرین گزارش مقدماتی خود به مجمع عمومی نماینده ویژه مراحل آغازین آنچه را که بعدها سرکوب همه جانبه مطبوعات از سوی عوامل دستگاه قضایی در آوریل ۲۰۰۰ شد شرح داد (سند A/۵۵/۳۶۳ پاراگرافهای ۱۲ تا ۲۱). روند این کار ادامه یافت.

در ظرف ۱۵ ماه (تا آغاز ژوئیه ۲۰۰۱) بیش از ۴۰ نشریه روزنامه و هفته‌نامه به مدت‌های گوناگون و برخی برای همیشه تعطیل شده‌اند. (در جمهوری اسلامی ایران به

مانند دیگر جاها نشریه‌ها گاه تنها به دلایل مالی و یا اداری بسته می‌شوند).

۹ - افزون بر این سردبیران و روزنامه نگاران به بزه های گوناگون متهم گردیده و جریمه شده یا به زندان افتاده یا از روزنامه نگاری به مدت چند سال محروم گشته اند. در موردهایی نیز ترکیبی از این مجازات‌ها اعمال شده است. دست کم یک تن به مجازات تازیانه محکوم گردیده و بعداً "مجازاتش لغو شده است. عده محکومان نا معین است ولی بهترین تخمین تازه ای که در اختیار نماینده ویژه قرار دارد این است که از آوریل ۲۰۰۰ بیش از بیست روزنامه نگار زمانی را در زندان گذرانده اند یا در بازداشت پیش از محاکمه یا در حبس پس از دادرسی.

۱۰ - اتهامات نوعاً "بدین شرح هستند:

الف - افتراء

ب - نشر اکاذیب

پ - نشر مطالب جنایی

ت - نشر مطالب هوس انگیز و خلاف عفاف

ث - همکاری با گروههای ضد انقلاب

۱۱ - ستیز با مطبوعات از تعریف متداول برای "روزنامه نگاری" فراتر رفته است به عنوان نمونه یک طلبه را به خاطر مقاله هایی که مدعی بودند بر ضد جمهوری اسلامی نوشته است به دادگاه ویژه روحانیت جلب کردند شماری از دانشجویان دانشگاه را به خاطر مقاله هایی که در روزنامه های دانشجویی خود نوشته بودند و آنها را کفرآمیز برآورد کرده (اتهامهایی که می توانست مجازات مرگ داشته باشد) و یک کارکاتوریست را به سبب کشیدن کاریکاتوری که ادعا می کردند علیه قوه قضائیه است بازداشت نمودند. به گزارش روزنامه ها شکایت علیه مطبوعات عمدتاً از سوی شش سازمان دولتی صورت می گیرد و این امر اصطلاح "شاکیان زنجیره ای" را متداول ساخته است. مبارزه علیه مطبوعات را ظاهراً این سازمانها با پشتیبانی عده معدودی از قاضیان برعهده دارند.

۱۲ - در مطبوعات ایران به این نکته اشاره شده است که با وجودی که به موجب قانون مطبوعات تعلیق نشر روزنامه حداکثر برای شش ماه مجاز است بسیاری از روزنامه‌ها به مدت‌هایی طولانی تر از آن به تعطیل محکوم شده اند و حتی برخی شان پس از انقضای مدت محکومیت همچنان بسته مانده اند و بدین ترتیب قاضیان زیربط از مقررات قانون مطبوعات سرپیچی کرده و پاره ای اصول قانون اساسی و دیگر قوانین به ویژه "قانون اقدامات تامینی" (Precautionary Measures Law) را - که هر دو ناظر بر جلوگیری از وقوع جرم هستند - مورد تجاوز قرار داده اند. یک روزنامه به خاطر اهانت به رئیس جمهوری تعطیل شد و رئیس جمهوری اعلام داشت که هیچ قانونی چنین کیفی را برای چنین عملی پیش بینی نکرده است.

۱۳ - در بحث پیرامون سرکوب مطبوعات در ایران باید گفت که از ابهامهای موجود در بسیاری از قوانین ایران از جمله در قانون اساسی جمهوری اسلامی نهایت سود در این زمینه برگرفته شده است. قانونهای گوناگونی که درباره انتقاد اهانت و افتراء جاری هستند شاید نمونه های نوعی این مطلب به شمار آیند. نکته هایی هم که به شیوه و آئین دادرسی مرتبط می شوند خود بخش بزرگی از مساله را پدید می آورد. نمونه های بازداشت خودسرانه تجاوز از مدت مقرر برای بازداشت پیش از دادرسی و آن هم اغلب در زندانهای انفرادی و نیز نادیده گرفتن عناصر و عواملی که دادرسی منصفانه را به وجود می آورند فراوانند. مبرهن است که نیاز به اصلاح وجود دارد هم از نظر تقنینی (تاجرائم با دقت بیشتر توصیف شوند) و هم از نظر قضائی (تا به کار گرفت شیوهها و آئینهایی که حقوق متهم را صیانت می کنند تضمین شود).

سوم - وضع زنان

۱۴ - وضع زنان در جمهوری اسلامی چند سالی است که تقریباً به همان حال که بوده باقی مانده است:

در برخی زمینه ها پیشرفتهایی حاصل شده - مانند آموزش - اما در اساس دگرگونی روی ننموده و تبعیض قانونی همه جا در مقابل زن هست. شاید گویاترین بیان تصویری اخیر این وضع فیلم ایرانی "دایره" باشد با آن نوای پرتوانش که جمهوری اسلامی را زندانی برای زنان می شناساند.

۱۵ - به زمانی که این گزارش آماده می شد بحثی داغ درگرفته بود درباره شمار زنانی که باید در هیئت دولت جدید رئیس جمهوری عضو شوند. در اواخر ژوئن فرد برجسته‌ای از مجلسیان اعلام داشت که در شأن زنان نیست که در حکومت به نمایش گذارده شوند. یکی از بانوان نماینده مجلس بالفور پاسخ داد: "مردان ما را باید در برابر بیماری عدم بلوغ حفظ کرد" (*). دوازده نماینده زن مجلس فهرست خویش را شامل سه زنی که نامزد عضویت در هیئت دولت می بودند فراهم ساختند.

۱۶ - انتخابات اخیر ریاست جمهوری و عمل شورای نگهبان در رد صلاحیت همه حدود بیست و چند زنی که خود را نامزد اعلام کرده بودند توجه را به شایستگی زنان در اشغال مقامات و مناصب عمومی جلب کرد.

۱۷ - وجه دیگر از مرارتی که زنان می کشند چیزی است که به عنوان "چهره زنانه فقر" (feminine face of poverty) شناخته شده است. گزارش شده که در جلسه ای در ۱۵ ماه مه به مناسبت "روز جهانی خانواده" عده ای از مسئولان وضع را با ارقام و منحنی ها توصیف کردند. در حال حاضر حدود یک میلیون خانواده در جمهوری اسلامی هست که در شان مادر به تنهایی زندگی را تامین می کند. بیست و نه درصد خانواده‌هایی که زیر خط فقر قرار دارند خانواده‌هایی هستند که در شان مادر به تنهایی نان آور است. هفتاد درصد مادرانی که تنها نان آور خانواده‌اند در نواحی روستایی بیسوادند. در ۳۷ درصد از خانواده های زن مجرد فقط یک نفر شاغل به کار است. مدیر کل سازمان مبارزه با فقر اعلام کرد با وجودی که قانون الزام دارد که حداقل مزد به همه خانواده های تحت سرپرستی زنان تاءدیه شود اما به سبب نارسایی اعتبارات بودجه‌ای تنها ۵۰ درصد آن پرداخت می شود.

۱۸ - مساله سوء استفاده جسمی از زنان در درون خانواده هنوز هم در برابر ماست. نشریات گزارش می کنند که برای فائق آمدن بر بی میلی پلیس در مداخله در این موارد خطوط تلفنی مستقیم ایجاد شده تا زنان بتوانند سریعاً درخواست کمک کنند. از این اساسی تر آن که زنان ایرانی همواره برا این نکته تاکید می نهند که مسائل ایشان ریشه‌اش در برداشت فرهنگی مردان نسبت به زنان است. از یکی از اعضای "مرکز مشارکت زنان" (Womens s Participation Centre) در تهران اخیراً نقل قول شده است که گفته زنان هر چه بیشتر قربانی ضرب و جرح تجاوز به عنف سقط جنین فشارهای مالی و روانی و دشنام و ناسزا از سوی همسرانشان برادرانشان و حتی فرزندانیشان واقع می شوند. نماینده ویژه متذکر این معنی است که کاستن از فشارهای ناشی از گرایشهای پدرسالارانه کلیدی است در جهت گشایش در امکانات بیشتر و بهتر کاری برای زنان. به نمانیده ویژه آگاهی از فعالیتها و برنامه های فراوان در جهت اعتلای حقوق زنان داده شده است ولی با همه این احوال وی تاکید می‌ورزد که رهبری روبرویی و با مسائل فرهنگی را خود حکومت باید برعهده گیرد. این کار نیاز به توجه فراوان و تخصیص منابع کافی انسانی و مالی دارد تا برنامه‌های آموزش بنیانی در مدارس در تلویزیون ها و در دیگر رسانه های گروهی به اجرا درآیند. هر چه حکومت در انجام اقدامهای جدی تعلل بیشتر کند شمار فراوانتری از زنان بدون علت و سبب رنج خواهند کشید. این مطلبی است که حکومت از روی فرمان وجدان باید عاجلاً بدان بپردازد.

۱۹ - در نهایت هنوز معضل حداقل سن ازدواج به ویژه برای دختران که نه سال است حل نشده بر جای است. نماینده ویژه این موضوع را در گزارشهای قبلی خویش (سند A/۵۵/۳۶۳ پاراگراف ۳۱ و سند E/CN.۴/۲۰۰۱/۳۹ پاراگراف ۲۴) مورد بحث قرار داده است. نماینده ویژه التفات به عمل اخیر شورای نگهبان دارد که طی آن شورای مذکور مصوبه مجلس ج‌شورای اسلامی‌جا را که می توانست این نقطه سیاه را از کارنامه شهرت جمهوری اسلامی حذف کند مردود اعلام کرد. اگر سخن بیشتری در این زمینه باید گفته شود نماینده ویژه توجه را به مقاله مربوط به ازدواجهای زودرس کودکی در نشریه یونیسیف (UNICEF) به نام "Innocenti Digest" شماره ۷ (ماه مارس ۲۰۰۱) جلب می‌کند.

این مقاله اعلام می‌دارد که در سراسر جهان مرگهای ناشی از آبستنی علت اصلی مرگ و میر در دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله است. نماینده ویژه بار دیگر از همه شاخه‌های حکومت در می‌خواهد که با همکاری یکدیگر قوانین جدیدی را هر چه زودتر به اجرا گذارند تا نشانه‌ای باشد از حرمتی که برای فرزندان اناث کشور خویش قائلند.

(در ماه فوریه یک پناهگاه دختران در کرج - "مرکز یاسمین" - بسته شد زیرا تحقیقات بنا بر آنچه گزارش شده است نشان داد که از آن برای تجارت دختر استفاده می‌شده است. مطبوعات به ارتباطهای سطح بالایی که گردانندگان "مرکز" از آن برخوردار می‌بودند عنایت کردند و یک قاضی دادگاه انقلاب در دنباله بررسی متهم به دست داشتن در کارها شد).

چهارم - موضوعهای حقوقی

الف - اصلاح شیوه کارهای حقوقی

۲۰- در اواخر ماه مارس نماینده ویژه فهرستی از حکومت دریافت داشت شامل اصلاحات حقوقی که انجام پذیر می‌شد. شاید مهمترین این اصلاحات بازگشایی دادرسیها باشد که وعده آن از مدتها قبل داده شده بود و می‌توانست بالقوه اثر عمده‌ای در کاهش قدرت مطلق قاضیان در عرصه دادگاه داشته باشد. قاضیانی که در بیشتر مواقع نقش قاضی و دادستان را باهم بر عهده می‌داشتند و در پاره‌ای موارد نیز هم در جای هیئت منصفه می‌بودند و هم در مقام وکیل مدافع. لایحه قانونی برای انجام این مهم در کمیسیون امور قضایی مجلس در اواخر ژوئن تصویب شد و در اوائل ژوئیه به مجلس عرضه گردید.

۲۱- دومین اصلاح مهم درباره مجازات برای وامهای پرداخت نشده است. افراد بسیاری که به سبب عدم تاءدید وام محکومیت یافته بودند در پایان دوره محکومیت به علت ناتوانی از بازپرداخت قرض خود همچنان در زندان باقی می‌ماندند. این وضع چنان گسترشی به خود دیده بود که این گروه از زندانیان دومین گروه بزرگ محبوسان را تشکیل می‌داد. افرادی از این قبیل از این پس در پایان دوره محکومیت خویش از زندان آزاد می‌شوند.

۲۲- طرح سوم که از آغاز سپتامبر ۲۰۰۱ اجرا شدنی است این حق را به دارندگان درجه لیسانس (حقوق) می‌دهد که در امتحانی شرکت جویند و در صورت توفیق صلاحیت وکالت دادگستری را پیدا کنند و در تحت نظارت وارد عمل شوند. منظور از این کار افزایش قابل اعتنای شماره وکیلان در کشور است. کانون وکلا به این ابتکار که "تحت پوشش لایحه اقتصادی" انجام شده اعتراض کرده و آن را تجاوزی شدید به استقلال خود شناخته است. این تعدی در دنباله دیگر تجاوزهایی است که نسبت به استقلال کانون وکلا صورت گرفته از جمله تعیین نامزدها در انتخابات کانون مجازاتهای انضباطی اعضای کانون و بی تردید "گزینش" همه کسانی که تقاضای عضویت در کانون را دارند (دیده شود سند A/۵۵/۳۶۳ پاراگراف ۴۴ تا ۴۶). نماینده ویژه شریک نگرانیهای هیئت مدیره کانون وکلا در این مورد است و توجه دارد که استقلال کانون یکی از عناصر حیاتی در ایجاد نظام تامین و تضمین حقوق بشر است.

۲۳- چهارمین اصلاح ایجاد آن چیزی است که در برخی از فرهنگهای دیگر "راه جایگزین برای حل دعوی" ("ADR" alternative dispute resolution) شناخته می‌شود یعنی پیش‌بینی تسهیلاتی در جهت مصالحه/ داوری بدان منظور که پاره‌ای از

دعاوی به خارج از دادگاه آورده و در حل و فصلشان تسریع شود. این امر موجب می‌افتد تا هم کار دادگاهها کاهش یابد و هم بر اثرش تاریخ دادرسیها به جلو آورده شود.

۲۴- طرح پنجم که شرح آن در گزارش پیشین (سند شماره E/CN.۴/۲۰۰۱/۳۹) پاراگراف ۱۰۹) رفته است تاسیس دادگاهها ویژه نوجوانان است با معاضدت یونیسیف (UNICEF). نماینده ویژه اطلاع یافته است که این طرح در شرف تحقق یافتن است و قاضیان این دادگاهها که در حال آموزش دیدن هستند به کشورهای خارجی اعزام خواهند شد تا از تجارب دیگر سازمانهای قضایی مخبر شوند.

۲۵- طرح ششم مربوط می‌شود به انضباط بخشیدن به کار قضات یعنی برخورد جدی تر با تجاوز قاضیان از حدودی که قانون مقرر داشته است. نماینده ویژه پیش از این عدم توجه ناشایست حداقل تنی چند از قضات را نسبت به دستورالعملهای رئیس قوه قضائیه به ویژه درباره نحوه رفتار با مظنونان در مراحل پیش از آغاز دادرسی تذکار داده بود (سند E/CN.۴/۲۰۰۱/۳۹ پاراگراف ۳۱). محکمه انضباطی قضات سازمانی که کمتر شناخته شده و علی‌الظاهر کمتر مورد استفاده قرار گرفته اینک با نخستین آزمایش خویش رو با روی است. چون نماینده ویژه جویای چگونگی رسیدگی به شکایتهای خانواده‌های زندانیان علییه قاضی سعید مرتضوی و قاضی حسن احمدی مقدس شد

مسئولان حکومت پاسخ دادند که شکایتهای مذکور همراه با دیگر شکایتهای علیه قضات اینک در دادگاه فوق الذکر در دستور کارند. یکی از مسئولان حکومت گزارش کرد که ظرف چهار ماه گذشته ۴۰ قاضی از کار معلق شده اند. نماینده ویژه اطمینان دارد که محکمه انضباطی قضات با سرعت و قاطعیت عمل خواهد کرد و آرائش اعلام خواهد شد. چنین کاری در مال موجب خواهد افتاد که اعتماد به نظام قضائی ایران دیگر بار به وجود آید. شاید ارزش آن را داشته باشد که این نکته را بیافزائیم که نظام قضایی نیازمند حمایت و پشتیبانی مردمان است از آن طریق که بدان احترام بگذارند و اعمال قدرت آن را بر زندگی خویش مشروع بشمارند. در این زمینه نماینده ویژه به سخنان رئیس جمهوری در تاریخ ۲۹ ژوئن اشارت می برد که اعلام داشت رسالت اصلی قوه قضائیه بر طبق قانون اساسی حفظ و صیانت حقوق فردی و اجتماعی مردم است و متحقق ساختن عدالت اجتماعی در جامعه. معیار اصلی سنجش نظامی که بر این پایه مستقر باشد حرمت نهادن به حقوق انسانهاست حفاظت حقوق انسانهاست و فعلیت بخشیدن به عدل و داد. رئیس جمهوری افزون بر این از قاضیان خواست تا از کم توجهی و پیش داوری بپرهیزند و اصل برائت را تا پیش از اثبات جرم بپذیرند.

۲۶ - از دیگر اصلاحیهایی که به نماینده ویژه گفته شده است یکی برقراری مجدد "اعتبار قضیه مقضی بها" (***) است (امری که به زمان انقلاب به عنوان آن که "ارزش خود را از کف داده" متروک شده بود) و بالنتیجه کاهش شماره پروندههایی که از سوی دیوان عالی کشور برای رسیدگی مجدد به دادگاهها ارجاع می شوند. به بیان دیگر این امر موجب می افتد تا دیوان عالی کشور بیشتر مرحله نهایی دادرسی را برعهده بگیرد. نماینده ویژه اعتقاد دارد که این تغییرها بر ثبات و عدالت نظام قضایی خواهد افزود و از حجم عظیم پروندههای معوق خواهد کاست. یکی دیگر از اصلاحیهایی که وعده اش داده شده قانون گذراندن برای تحدید تعریف "محارب" است به اعمالی که در شان از سلاح آتشین استفاده شده باشد. این امر سلاح بسیار خطرناکی را از زرادخانه قضائی حذف خواهد کرد سلاحی که گرچه گاه و گداری بدان دست برده شده اما همواره بالای سر کسانی که تغییری را تبلیغ می کنند آویزان است. دیگر از گامهای جدید تاءسیس یک سازمان غیر دولتی است که به حقوق زندانیان عنایت کند.

۲۷ - در خاتمه از آنچه رفت آشکار می افتد که کار اصلاح نظام قضایی آغاز گرفته و یا دست کم در حال آغاز گرفتن است. نماینده ویژه مشتاق آن است که انجام موفقیت آمیز آن را گزارش کند.

ب - زندانها

۲۸ - دو مطلبی که در جمهوری اسلامی در مورد زندانها بیش از هر چیز موجب نگرانی است یکی جمعیت زندانیان افزون بر گنجایش زندانهاست و دیگری وجود بازداشتگاههایی بیرون از نظارت سازمان زندانها. در مورد نخست ارقام تازه ای پیرامون عده زندانیان به آگاهی نماینده ویژه رسانیده نشده است. در اواخر ماه ژوئن رئیس سازمان زندانها اعلام کرد که زیادی تعداد زندانیان ثمره اوضاع اجتماعی خارج از زندان است و سازمان تحت مدیریت وی قادر به حل تمام مسائل زندان نیست. او گفت که بر جمعیت زندانها ظرف یک سال پیش از آن تاریخ چهل درصد افزوده شده است. دو سوم زندانیان مربوطند به جرائم و ابسته به مواد مخدر بیشتر زندانیان در سنین میان ۲۲ و ۳۰ سال هستند و کمتر از ۳ درصد آنها را زنان تشکیل می دهند.

۲۹ - به علت افزایش چشمگیر شمار کسانی که به خاطر ارتکاب جرائم و ابسته به مواد مخدر به زندان می افتند پیشنهاد شده است اینگونه افراد از دیگر زندانیان مجزا و در محلهایی که بدین منظور در نواحی روستایی تاءسیس می شوند زندانی گردند. اقدام دیگری که مورد بحث است کاهش شمار اینگونه زندانیان است از طریق کاهش شمار جرائمی که موجب بازداشت می شوند و همزمان با آن استفاده بیشتر از تعلیق اجرای احکام به ویژه در مورد زنان و کودکان. پیشنهاد دیگر در جهت کاهش جمعیت زندانها آزاد کردن آن دسته از زندانیان است که پس از تحمل مدت محکومیت خویش توان بازپرداخت بدهیهای مالی خود را ندارند (به پاراگراف ۲۱ بالا نگاه شود).

۳۰ - اما درباره بازداشتگاههای غیر رسمی که در شان بیشترین سوء رفتار نسبت به بازداشت شدگان صورت می گیرد در اوائل ماه ژوئن یکی از اعضای کمیسیون مجلس شورای اسلامی ج که مأمور رسیدگی به کار زندانها بود به مطبوعات اظهار داشت که به

تعداد سازمانهای مخفی امنیتی و نظامی و سازمانهای غیر نظامی و غیر مخفی بازداشتگاههای پنهانی وجود دارد. او افزود که هیچ سازمان نظامی یا امنیتی حق ایجاد بازداشتگاه اختصاصی برای خود ندارد. رئیس سازمان زندانها اعلام کرد که همه بازداشتگاههای غیر رسمی اینک به زیر نظارت سازمان وی آورده شده اند و زندان بدنام "توحید" هم سرانجام بالکل برچیده شده است.

۳۱ - ارزش گزارش کردن دارد که پس از انتخاب مجدد رئیس جمهوری پیشنهادی در مجلس (شورای اسلامی) به چرخش درآمد تا سازمان زندانها از زیر نظارت قوه قضائیه بیرون آورده شده و به وزارت دادگستری تحویل شود که بر اثرش مجلس بتواند بر آن اشراف داشته باشد.

۳۲ - باید امید داشت که این گامهای اصلاحی با استواری و پیگیری برداشته شوند و بالاخص نماینده ویژه شاد خواهد شد که بتواند در گزارش آینده اش به کمیسیون حقوق بشر خبر دهد که تمام بازداشتگاههای غیر قانونی سرانجام - در عمل و در ترکیب سازمانی - به سازمان زندانهای کشور سپرده شده اند.

پ - مجازاتها

۳۳ - شمار اعدامها همچنان زیاد است. بنابر اطلاعاتی که به نماینده ویژه رسیده در شش ماه اول سال حدود ۶۰ اعدام صورت گرفته و با وجود گزارش منابع حکومتی که مجازاتها علی‌الاصول غیرعلنی هستند تقریباً "دوسوم این کیفرها در ملاعام انجام پذیر شده است. این مجموعه از جمله شامل به دار آویختن زنی در تاریخ ۱۹ مارس ۲۰۰۱ در تهران است که خود واقعه‌ای فوق‌العاده نادر در جمهوری اسلامی شمرده می‌شود. به نشانه ای از سیر قهقرایی گزارش رسیده است که تلویزیون دولتی صحنه‌هایی از بدار کشیدن در انظار عموم را در دو مورد از آغاز سال ۲۰۰۱ به نمایش گذارده است.

۳۴ - از دوره زمانی موضوع بررسی گزارشهایی ناراحت کننده رسیده است از توسل به اشکال وحشیانه و غیر عادی اعدام به مانند سربریدن و سنگسار. بنا بر گزارش مطبوعات در ژوئن ۲۰۰۱ در شهر زابل مردی افغانی را در ملاء عام سر بریدند. این نخستین بار است که نماینده ویژه گزارشی پیرامون چنین روش مجازات دریافت می‌دارد و لهذا توضیح حکومت را خواستار شده است. عمل سنگسار که به نظر می‌رسید روی به کاهش دارد دوباره از سرگرفته شده است. از ژانویه ۲۰۰۱ به نماینده ویژه اطلاعاتی رسیده است از سنگسار دو زن و از محکومیت به مرگ با سنگسار حداقل یک زن دیگر. بنا بر گزارش مطبوعات زنی که نامش اعلام نشده در زندان اوین تهران در تاریخ ۲۰ مه ۲۰۰۱ با سنگسار اعدام گردید. زن مذکور که ۳۵ سال می‌داشت هشت سال پیش از آن به اتهام شرکت در فیلمهای شهوانی بازداشت شده بود. در ژانویه ۲۰۰۱ بنا به گزارشهای واصل شده دیوان کشور حکم سنگسار مریم ایوبی ۳۸ ساله را به جرم قتل شوهرش تایید کرد. روزنامه‌ها گزارش دادند که وی در زندان اوین تهران در تاریخ ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۱ از طریق سنگسار اعدام شد. زن سومی بن نام ربابه طبق اطلاعات رسیده در ماه ژوئن ۲۰۰۱ به خاطر کشتن شوهر خویش به سنگسار محکومیت یافته است. نماینده ویژه این گزارشها را با حکومت در میان گذارده و مصرانه خواستار شده تا ماده ۸۲ (بند ب) در خصوص سنگسار از قانون مجازاتهای اسلامی حذف و سیاستی اتخاذ گردد که توسل به سنگسار در سراسر کشور ناممکن افتد.

۳۵ - بر طبق اطلاعاتی که از حکومت دریافت شده در سال ۲۰۰۰ تصمیم گرفته شد که مجازات اعدام در مورد صغار به اجرا در نیاید. به همه این احوال نماینده ویژه اخیراً گزارشهایی درباره اعدام یک فرد صغیر و محکومیت صغیر دیگری به اعدام دریافت کرده است. بنا بر گزارش مطبوعات ایران در تاریخ ۲۹ مه ۲۰۰۱ مهرداد یوسفی هجده ساله در ناحیه جنوب باختری ایلام به خاطر جرمی که در شانزده سالگی مرتکب شده بود به دار آویخته شد. در ماه ژوئن ۲۰۰۱ روزنامه‌ها گزارش کردند که دادگاهی در ایران عزیزالله شنواری پاکستانی چهارده ساله را به اتهام قاچاق مواد مخدر به مرگ محکوم ساخته است. این فرد طبق گزارشها از شهر پیشاور پاکستان در ماه نوامبر ۱۹۹۹ ربوده شده بود. نماینده ویژه این موردها را با حکومت در میان گذارده است.

۳۶ - نماینده ویژه با کمیته حقوق کودک هم‌نوا می‌شود و نگرانی عمیق خویش را از به کارگرفت مجازات اعدام در مورد جرائمی که از سوی افراد کمتر از هجده سال ارتکاب می‌یابد اعلام می‌دارد و تاکید می‌کند که چنین کیفری با میثاقی که جمهوری اسلامی

بدان پیوسته است ناسازگار است (سند ۱۲۳/۱۵/Add. CRC/C/۱۵/۲۹). نماینده ویژه به همچنین تذکار می‌دهد که کمیسیون حقوق بشر در قطعنامه ۶۵/۲۰۰۱ از دولت‌هایی که هنوز مجازات مرگ را ملغی نساخته‌اند می‌خواهد "خود را با تعهداتی که در اسناد مربوط به حقوق بین‌المللی پذیرفته‌اند از جمله و بویژه با مواد ۶ و ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک تطبیق دهند". نماینده ویژه به اصرار از حکومت جمهوری اسلامی ج. می‌طلبد که بر طبق قطعنامه فوق‌الشعار عمل کند.

۳۷ - حکومت ایران بارها گفته است که تعداد زیادی از اعدامها در جریان مبارزه اش علیه مواد مخدر صورت گرفته است. بنا بر گزارش مطبوعات رئیس قوه قضائیه اعلام کرده که ۸۰۰ تن از مرتکبان قاچاق مواد مخدر هم اکنون در انتظار اعدامند. ضمن قبول بار سنگینی که حکومت در ستیز با قاچاقگران مواد مخدر بر دوش دارد و شرح آن نیز در گزارش پیشین به کمیسیون حقوق بشر آمده نماینده ویژه درخواست خویش را تجدید می‌کند و آگاهیهای دقیقتری را پیرامون چگونگی حفظ حقوق بشر در برنامه‌های جمهوری اسلامی که در جهت مبارزه با مواد مخدر تنظیم شده اند خواستار است.

۳۸ - نماینده ویژه مایل است تاکید دارد که آمارهای مذکور در سطور بالا از گزارشهای مطبوعات اخذ شده و در شان حاشیه خطا را نباید از یاد برد. ولی بار دیگر از حکومت می‌خواهد که ارقام رسمی را در اختیار عموم قرار دهد.

شکنجه و دیگر رفتارها و مجازاتهای بیرحمانه غیر انسانی و یا ترذیلی

۳۹ - نماینده ویژه همچنان گزارشهایی دریافت می‌دارد از اعمال شکنجه در نظام قضائی بالاخص به زمان بازداشت‌های پیش از محاکمه. نماینده ویژه تقاضای سال پیش خود را تجدید می‌کند و انطباق با قطعنامه ۴۳/۲۰۰۰ کمیسیون حقوق بشر را خواستار می‌شود قطعنامه ای که درش از جمله آمده است که کمیسیون از همه حکومتها می‌خواهد تا منع شکنجه را کاملاً مرعی دارند به لزوم تحقیق و ارائه سند - که به شکل مجموعه‌ای از اصول در ضمیمه قطعنامه مذکور قید شده - احترام گذارند و مرتکبان خلاف را بی‌کیفر رها نکنند.

۴۰ - هنوز هم گزارشهایی واصل می‌شود از قطع اعضای بدن و از شلاق زدن. یکبار دیگر نماینده ویژه به حکومت جمهوری اسلامی توصیه می‌کند که خود را به لغو اینگونه مجازاتها ملزم بشناسد.

پنجم - وضع اندیشه‌وران و ناراضیان سیاسی دانشجویی و مذهبی

۴۱ - اظهار آشکار ناراضی رو به افزونی دارد و شمار رو به افزایشی از ناراضیان نیز خود را در زندان می‌یابند. در ماه ژوئن تخمین می‌شد که ۵۰ تا ۶۰ تن از روزنامه نگاران اصلاح‌طلب فعالان سیاسی و دانشجویی روحانیان ناراضی و ملی - مذهبیهای پیر سابقه در زندان اوین در شمال تهران در بازداشتند و به این ترتیب این سازمان معروف بار دیگر به عنوان مرکزی برای زندگی سیاسی درآمده است. یکی از قاضیان کوشید تا شیوه کهن جلوگیری از نشر نامه‌ها و پیامهایی را که زندانیان به بیرون می‌فرستادند و مقامات زندان آنها را بازرسی نکرده بودند بکار گیرد.

۴۲ - برای کسانی که پیش از آغاز محاکمه با سپردن وثیقه آزاد شده اند مشکل به گونه‌ای دیگر است. به نماینده ویژه گفته شده است که وثیقه غالباً چنان مبلغ هنگفتی است که امکان سپردنش برای بازنشستگان و دیگرانی که معاش متوسطی دارند نمی‌رود.

۴۳ - علی‌الظاهر در پرونده‌های سیاسی مرحله بازجویی پیش از محاکمه در غالب مواقع از همه مراحل دیگر خشنتر است. بدانسان که برخی از آزادشدگان از بازداشت صریحاً اشعار داشته اند دستگیر شدگان در سلولهای کوچک محبوس می‌گردند با چشمان بسته مورد بازجویی قرار می‌گیرند و تحت انواع فشارهای روانی و جسمانی واقع می‌شوند تا با بازجویان خود به همکاری مبادرت ورزند و بنا به دسته ای از گزارشهای اخیر احتمالاً از پاره‌ای از داروها درباره آنان نیز استفاده می‌شود تا هر چه بیشتر حال انفعالی به خود گیرند و با بازجویان همکاری کنند. چندین "اعترافات" نامحتمل را مقامات قضائی منتشر ساخته اند که از آن زمره است اعترافهای روزنامه نگار پرسابقه عزت الله سحابی و رهبر دانشجویان علی افشاری. همین که حکم محکومیت صادر شد

وضع پاره‌ای به گونه‌ای چشمگیر بهبود می‌یابد اما این حکم عام نیست چنانکه در مورد اکبر گنجی نبوده است. گنجی تا اواسط ماه ژوئن ۱۰۵ روز از ۱۵ ماه حبس خود را در زندان انفرادی گذرانده است.

الف - ناآرامیهای دانشجویی

۴۴ - فعالیت سیاسی در صحن دانشگاهها در ماههایی که به انتخابات ماه ژوئن ریاست جمهوری ختم می‌شد رو به فزونی می‌داشت. ناظرانی چند ندهای برخاسته را هر چه فزاینده‌تر خشم آلود و ناامیدانه توصیف می‌کردند که به تظاهراتی می‌انجامید در اعتراض به رفتار با دانشجویان دستگیر شده در حمایت از روحانیان ناراضی - به مانند آیت الله منتظری - در انتقاد صریح از سازمانها و نهادهای سیاسی از جمله از رهبر نظام و رئیس جمهوری. گروههایی از اوباشان از جمله و بویژه انصار حزب الله غالباً به مقابله با این تظاهرات می‌آمدند.

۴۵ - در ماه مه علی افشاری یکی از رهبران دانشجویان ناراضی پس از پنج ماه زندانی بودن در سلول انفرادی بنا به آنچه گزارش شده اعتراف کرد که در فعالیتهایی که عنوان "براندازی نظام با استفاده از وسائل مسالمت آمیز" به آنها داده اند شرکت می‌داشته است. در نیمه های ماه ژوئن گزارش شد که نزدیک به ۲۰ دانشجوی بازداشت شده و شماری از ایشان به خاطر مشارکتشان در تظاهرات دانشجویی ماه ژوئیه ۱۹۹۹ محکومیت یافته‌اند. قابل عنایت است که مهاجمان به دانشگاه تهران - هجومی که دانشجویان را به اعتراض واداشت - ظاهراً پس از محاکمه‌هایی غیر علنی و با این بیان شگفت آور از سوی قاضی ذیربط که "در این پرونده مدعی خصوصی وجود نداشته است" بدون اینکه محکوم شوند آزاد گردیده‌اند (نگاه شود به سند A/۵۴/۳۶۵ پاراگراف‌های ۱۶ تا ۲۰).

۴۶ - در اوائل ماه ژوئیه گردهماییهای اعتراضی دانشجویان گاه و بیگاه در صحن دانشگاه تهران به یاد دومین سالگرد تظاهرات دانشجویی سال ۱۹۹۹ در تهران و تبریز برپای شد. تعدادی از افراد - که شمارشان تایید نشده - به این مناسبت در خارج از محوطه دانشگاه دستگیر گردیدند.

۴۷ - در ماه آوریل ۲۰۰۱ دادگاه استان در خرم آباد ۱۲۱ نفر را که اکثراً دانشجویان بودند و البته یک معاون استانداری هم در میان ایشان می‌بود به جرم شرکت در "شورشها"ی ماه اوت ۲۰۰۰ محکوم کرد. ناآرامیها بر اثر حمله اوباشان به گردهمایی سراسری دانشجویان ایرانی و جلوگیری از ورود سخنرانان مدعو به جلسه آغاز گرفت. در الگویی که در همه موارد نظیر به کار گرفته شده است اوباشان نه تنها محکومیت نیافتند بلکه اتهامی نیز بدانان وارد نیامد (نگاه شود به سند E/CN. ۴/۲۰۰۱/۳۹ پاراگراف‌های ۲۰ تا ۲۲).

ب - قتل‌های زنجیره‌ای

۴۸ - این رویدادهای سهم آور در اواخر سال ۱۹۹۸ و اوائل سال ۱۹۹۹ موجب نگرانی و خشم بسیار در جمهوری اسلامی شد (نگاه شود به سند جدید به شماره E/CN. ۴/۲۰۰۱/۳۹ پاراگراف‌های ۸۲ تا ۸۷). با محاکمه غیر علنی در دادگاه نظامی از متهمان که گفته می‌شد از پایوران سازمانهای امنیتی هستند و به ابتکار خود دست بدین کارها زده اند پانزده تن در ماه ژانویه ۲۰۰۱ محکومیت یافتند. سه تنشان به مرگ و دوازده تن به زندان. خانواده قربانیان و دیگر مردمان انتقادهای بسیاری دارند و برآند که مقامات بالایی که به درجات گوناگون در این جنایتها دست می‌داشته اند هنوز ناشناخته مانده اند و بدانها اتهامی وارد نیامده است. پس از محکومیت پانزده تن مذکور خانواده های قربانیان اعلام داشتند که مخالف آراء صادر شده هستند و از جمله مخالف کیفر مرگ و زندانی شدن زیرا نمی‌خواهند "قصاص" کرده باشند. خانواده های موصوف شرکت در جلسه محاکمه را در اعتراض به غیر علنی بودن آن و در اعتراض به حذف شاهد اصلی از پرونده های دادرسی تحریم کردند. وکیل خانواده های قربانیان مدت زمانی کوتاه در دسامبر ۲۰۰۰ به خاطر اینکه گفته بود قتل‌های زنجیره ای بخشی از ستیزی است که جوخه های مرگ به قصد خاموش کردن صدای مخالفان برعهده دارند بازداشت شد.

۴۹ - با همه غیر علنی بودن محاکمه به زعم برخی از ناظران رأی هفده صفحه‌ای قاضی

نکاتی را روشن‌گر می‌افتد. بنا بر نظر یکی از این ناظران آنچه مشهود می‌افتد از یک سو بی‌الفاظی کامل به زندگی انسانی است و از دیگر سوی حاکی از معاونت در جنایتی که بنا بر امر سلسله‌ای از مقامات فرادست مشروعیت یافته و این سلسله به گفته بسیاری از مردمان تا حلقه انتهای اش دنبال نشده است. به بیان فردی دیگر این گروه آدمکش‌ها به منزله "ماشینی که برای مرگ بر هم سوار شده بود" وارد میدان گردید. به گفته قاضی ذریب‌فهرستی شامل ۴۰ تا ۴۵ هدف وجود می‌داشته است و باز به گفته وی برخی از متهمان از جمله متهمی که ارشد مقامات را حائز بوده کوشیده اند تا تقصیر را متوجه وزیر خویش سازند. قاضی ادعای اینان را به سبب فقد مدارک و سوگندی که وزیر در جهت بیگناهی خویش خورد مردود شمرده است.

۵۰ - نماینده ویژه به سهم خویش تردید دارد که تمام حقیقت در این مطلب آشکار افتاده باشد. وی از شایعات مستمری خبر دارد که بنا بر آنها شماره قتلها و سر به نیست شدن انسانها بی بیش از ۸۰ مورد می‌رسد و همه اینها از فاصله زمانی متجاوز از ده سال صورت گرفته و محتملاً بخشی از ستیزی گسترده تر بوده است برای خفه کردن صدای ناراضایی. او همچنین خبر دارد که نمایندگان سرشناس مجلس شورای اسلامی خواستار تشکیل کمیسیون پارلمانی ویژه‌ای در این باره شده اند زیرا که سابق واقعی در انجام این آدمکشها و نیز قرار داشتن مقامات بالایی در پشت این اعمال در طی محاکمه روشن نگردیده است.

پ - ناراضیان مذهبی

۵۱ - شاید شاخص ترین فرد مذهبی به زندان افتاده حسن یوسفی اشکوری باشد که در محاکمه‌ای که پیرامون شرکت در کنفرانسی در برلین در بهار ۲۰۰۰ صورت پذیرفت به ارتداد "محاربه با خدا" و "افساد در زمین" محکوم شد. اول اعلام شد که او را به مرگ محکوم ساخته اند ولی پس‌انتر این حکم ملغی گردید. در تاریخ ۲۰ ژوئن پسر این شخص طی نامه‌ای از دادگاه ویژه روحانیت خواستار شد که گروهی از پزشکان به تصویب دادگاه مذکور پدرش را که شدیداً به بیماری قند مبتلا است معاینه کنند. بنا بر گزارش رسیده دادگاه درخواست وی را رد کرد. در همان ماه ژوئن از پسر نامبرده نقل کرده‌اند که گفته است حدود ۷۰ روز است از پدر خویش خبری دریافت نکرده و پدر وی را به زندان ۵۹ منتقل ساخته اند.

۵۲ - بنا به گزارش مطبوعات از جمله افراد مذهبی که در دوره زمانی مورد گزارش به دادگاه ویژه روحانیت آورده شده‌اند داماد و دو تن از وابستگان به آیت الله حسینعلی منتظری هستند که خود وی برجسته ترین ناراضی مذهبی است و با وجودی که در خانه‌اش زندانی است موفق شده در ماه دسامبر ۲۰۰۰ خاطرات خود را منتشر سازد. یکی از پسران منتظری هم اکنون به سبب پخش گزارشی که گفته می‌شود نکته‌های نگران کننده‌ای را درباره قتل‌های زنجیره‌ای حاوی است در زندان به سر می‌برد. (پاراگراف‌های ۴۸ تا ۵۰ دیده شوند)

ت - محاکمه کنفرانس برلین

۵۳ - ریشه این محاکمه در آخرین گزارش نماینده ویژه به کمیسیون حقوق بشر توصیف شده است (سند E/CN.۴/۲۰۰۱/۳۹ پاراگراف‌های ۸۸ تا ۹۴) ولی شرح و بسط بیشتر آن دامن به گزارش حاضر می‌گردد. برخی از متهمان این محاکمه ماهها در زندان ماندند در حالی که پاره‌ای از ایشان با سپردن وثیقه آزاد شدند. در ماه آوریل نماینده ویژه از یکی از قاضیان صاحب اعتبار ایرانی شنید که هیچیک از متهمان این دادگاه تنها به سبب شرکت در کنفرانس مذکور محاکمه نشد بلکه در دادگاه به اتهامهای دیگر آنان که به حال تعلیق مانده بود رسیدگی بعمل آمد.

۵۴ - در نوشته ای رسمی در ماه آوریل به نماینده ویژه خبر داده شد که هفده تن از ایرانیانی که در کنفرانس شرکت داشته اند به دادگاه احضار شده اند. یازده تن از ایشان محکومیت یافته و شش تن برائت حاصل کرده اند. از محکومان هفت تن از آن روی که از رای صادره استیناف خواسته بودند با سپردن وثیقه آزاد شدند. چهار تن دیگر به سبب ارتکاب جرائمی غیر از شرکت در کنفرانس برلین زندانی گردیدند.

۵۵ - فهرستی از نام محکومان و مکاتبات صورت گرفته میان نماینده ویژه و حکومت جمهوری اسلامی در این باره در پیوست شماره دو آمده است. شاید برجسته ترین زندانی

عزت‌الله سبحانی باشد که روزنامه نگار بوده مدتها با رژیم شاه مبارزه کرده به نمایندگی مجلس شورای اسلامی ج. انتخاب شده و با نهضت آزادی پیوستگی می داشته است. سبحانی ۷۵ ساله ظاهراً به مدتی مدید در محلی نامعلوم در سلول انفرادی در بازداشت می بوده است. به گزارش مطبوعات در ماه دسامبر اتهام دومی بر وی آورده شد که عبارت باشد از بکارگرفت عباراتی موهن نسبت به رهبری ج. نظام ج. در ماه ژانویه سبحانی به خاطر شرکتش در کنفرانس برلین به چهار سال و نیم زندان محکوم شد. خانواده اش نگران سلامت او هستند.

۵۶ - به نماینده ویژه اخیراً از سوی مقام بالایی در دستگاه دادگستری اطمینان داده شد که اقداماتی قانونی در شرف وقوع است تا همه محکومیت‌های مربوط به شرکت در کنفرانس برلین الغاء شوند.

۵۷ - نماینده ویژه بر این اعتقاد است که اتهاماتی که به این افراد وارد شد به آشکارایی سیاسی می بود و شرائطی که این متهمان در بازداشت‌های پیش از محاکمه خود درش قرار داده شده بودند و همچنین محاکمه غیر علنی ایشان همگی نقض هنجارهای بین المللی به شمار می آیند.

ث - بازداشت فعالان ملی - مذهبی

۵۸ - در بهار فرآیند قضایی دیگری که سمت و سوی سیاسی می داشت با توقیف طرفداران آنچه عموماً "اتحاد اندیشه وران ملی - مذهبی مبلغ کثرت‌گرایی سیاسی" خوانده می‌شود آغاز یافت. برخی از اینان از اعضای نهضت آزادی بودند - سازمانی که رسماً ثبت نشده است اما نظام حاکم تحملش کرده و نخستین نخست وزیر پس از انقلاب مؤسس آن بوده است - و گروهیشان از جمله اصلاح طلبان مسلمان که پیشینه‌ای ممتد در مبارزه علیه شاه دارند.

۵۹ - در ۱۱ مارس ۲۰۰۱ به دستور دادگاه انقلاب ۲۱ تن از این گروه دستگیر و بعداً بازده تن از ایشان آزاد شدند. یک ماه بعد در ۷ آوریل ۲۰۰۱ همان دادگاه دستور توقیف ۴۲ تن دیگر را در سطح کشور داد. دز نیمه آوریل اعلامیه ای از سوی دادگاه به آگاهی رسانید که "مأموریت برخی از بازداشت شدگان تضعیف ایمان دانشجویان و جوانان نسبت به اصول دینی و اسلامی بوده است". دادگاه بعداً اعلام داشت که ناراضیان مذکور "هدفشان برپایی حکومتی به شیوه غربی بوده و برای وصول به این هدف شوم اندیشه مقاومت فعال و مآلاً مقاومت مسلحانه را در سر می پرورانده‌اند".

۶۰ - نماینده ویژه می داند که برخی از این دستگیرشدگان ظاهراً با سپردن وثیقه آزاد شده اند ولی اکثریت گروه هنوز در سلولهای انفرادی در سربازخانه های پاسداران انقلاب "بصورت موقتی" نگاهداری می شوند. خانواده های زندانیان بارها نسبت به رفتار ناپسند کارکنان دادگاه انقلاب به مقامات شکایت برده اند. این خانواده‌ها بالاخص اعلام داشته اند که:

(الف) - بر خلاف اصول ۳۲، ۲۲، ۲۰ و ۳۷ قانون اساسی (جمهوری اسلامی) و نیز ماده ۲۲ قانون مجازات هیچ مدرک استواری که بتواند اتهامهای وارده را تسجیل کند ارائه نشده و افزون بر آن پرونده های ذیربط در اختیار وکلای متهمان قرار نگرفته است. (ب) - قرار بازداشت موقت علیه ایشان صادر گردیده بدون رعایت کامل اصول ۳۵، ۳۲ و ۳۷ قانون اساسی (جمهوری اسلامی) بالصراحه اختیار قاضی را در موارد استفاده از این امر محدود می سازد.

(پ) - بر خلاف اصل ۳۸ قانون اساسی (جمهوری اسلامی) که زندانیان را از شکنجه و از شهادت و اقرار بر اثر فشار محفوظ می دارد این زندانیان برای مدتهای طولانی در بازداشت انفرادی در محلهایی نامعلوم نگاهداری شده و تحت فشارهای فیزیولوژیک و جسمانی از آن جمله استفاده از داورهایی قرار گرفته‌اند تا ازشان "اعتراف" تحصیل کنند.

(ت) - اینان از حق داشتن وکیل مدافع چه در زمان بازجوییهای طولانی و چه بعد از آن محروم بوده‌اند.

(ث) - برخی از بازداشتیان در زندانهای انفرادی در محلهایی نامعلوم نگاهداری شده‌اند.

(ج) - بر عده ای فشارهای فیزیولوژیک و جسمی اعمال شده - از جمله با استفاده از داروها - برای گرفتن "اعترافات" و در عین حال به برنامه شخصی زندانی برای بکارگرفت داروهایش توجهی مبذول نشده است.

(چ) - خانواده های زندانیان سیاسی را تهدید کرده و زیر فشار قرار داده اند تا سکوت اختیار کنند.

۶۱ - یکی از کسانی که در مقابل وثیقه آزاد شد وزیر پیشین ۸۴ ساله دادگستری به مطبوعات اظهار داشت که پاسداران به هنگامی که وی به زیر دوش می‌رفت عینک وی را از او می‌گرفتند و چشمانش را چشم بند می‌زدند. وی اعلام کرد که هیچ مدرکی وجود نمی‌داشت که کسی از اعضای نهضت آزادی کاری انجام داده باشد که بتوان آن را به عنوان کوششی برای براندازی نظام تعبیر کرد. خانواده وی سند مالکیت خانه خویش را به عنوان وثیقه آزادی او سپردند.

۶۲ - در ماه مه دوست یکی از ناراضیان زندانی به مطبوعات اظهار داشت که رفیقش به وی گفته که به او اتهام محاربه با خدا زده‌اند جرمی که بدانسان که رفت ممکن است کیفر مرگ را در پی داشته باشد. در اوائل ژوئن یکی از اعضای کمیسیون مجلس (شورای اسلامی) درباره وضع زندانها به بازداشت گروه ملی - مذهبیها اعتراض کرد و گفت "حراست اطلاعات سپاه پاسداران و دژبان ۶۶ قانونا" نمی‌توانند غیر نظامیان را دستگیر کنند".

۶۳ - به هنگام نوشتن گزارش حاضر نماینده ویژه از سوی مقامات ایرانی خبردار شد که همه زندانیان به زودی در مقابل سپردن وثیقه آزاد خواهند گردید. به گفته همان مقامات در دادرسی آقای سبحانی آقای احمدزاده و آقای پیمان با عنایت به سنشان تسریع خواهد شد.

۶۴ - پیوست شماره دو شامل فهرستی است از فعالان ملی - مذهبی که به هنگام تنظیم این گزارش بنا به اطلاعاتی که به نماینده ویژه رسیده است همچنان در بازداشت می‌بوده‌اند.

ششم - شیوه مردمسالاری حکومت

۶۵ - رئیس جمهوری در اواخر ژوئن طی سخنرانیی اعلام داشت: "حقوق بنیادین مردم در جهان امروزی عمدتاً به معنی حقوق مردم است در نظارت بر سرنوشت خویش. یک نظام مردمی آن نظامی است که این حقوق را به رسمیت شناسد و قوانین قواعد و مقررات خود را در انطباق با آنها طرح‌اندازی کند. در کل چون از حقوق بنیادین مردم سخن به میان آید مراد حقوق مردم است در مقابل دولت که صاحب اقتداری است بسیار در جامعه. چون بگوییم مردم صاحب حقوقند این بدان مفهوم است که اقتدار دولت از اراده مردم نشاء می‌گیرد و بر این اقتدار از سوی مردم نظارت می‌شود و دولت و همه عناصر و اجزایش پاسخگوی مردمنند بدون آن که در نظر آوریم که مینا و جوهر مشروعیت این نیرو در کجا قرار گرفته است".

۶۶ - در بهار ۲۰۰۱ قوه قضائیه قدرت مجلس (شورای اسلامی) را به ویژه در تلاش برای انجام تحقیق به استناد اصل ۹۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی - ج در مورد شکایتهایی که از شیوه کار قوه قضائیه بالاخص در محاکمه های سیاسی پر سروصدا شده بود به چالش طلبید. اعضای صاحب مقام قوه قضائیه واکنشی خشم آلود از خود نشان دادند و استقلال قوه تحت مدیریت خود را مطرح ساختند. قوه قضائیه به همچنین بدان آغازید تا نمایندگان اصلاح طلب مجلس (شورای اسلامی) و نیز مقامی چون استاندار کردستان را به محاکمه فراخواند - که این فرد آخرین اتهامش اهانت به شورای نگهبان می بود چون از ابطال نتایج انتخابات سال ۲۰۰۰ در هفده حوزه رای گیری انتقاد کرده بود. در ماه ژوئن دو تن از وکلای مجلس جشورای اسلامی - ج به زندان فرستاده شدند یکی برای دوازده ماه حبس به خاطر انجام "سخنرانی تحریک آمیز" در یک گردهمایی دانشجویان در اوت ۲۰۰۰ و دیگری برای سیزده ماه به سبب "توهین به قوه قضائیه" در هنگام سخنرانی در پارلمان. ادعای نمایندگان مبنی بر داشتن مصونیت از تعقیب رد شد.

۶۷ - در همان زمان رهبر نظام به حمایت از قوه قضائیه آمد که می‌کوشید در برابر حق نظارت مجلس جشورای اسلامی ج ایستادگی کند. رهبر اعلام داشت "حمایت از فردی که از سوی قوه قضائیه متهم شده مقابله با قانون است و خود فی نفسه جرمی". در همان هنگام کمیسیون تحقیقات مجلس تصمیم گرفت تا عدم همکاری قوه قضائیه را در بررسی شکایتهایی که از مردم رسیده بود به مجلس گزارش دهد. به نظر نماینده ویژه گفتن این که قوه قضائیه باید مستقل بماند یک مطلب است و گفتن این که آن قوه مصون از ملامت است مطلبی بالکل دیگر. در اوائل ژوئیه به نماینده ویژه خبر داده شد که یک

کمیته مشترک مقننه / قضائیه تشکیل یافته و در کار است تا روابطی بهتر میان آن دو قوه به وجود آورد.

۶۸ - مدت زمانی فشارهایی وارد می شد در جهت تدوین قانونی برای جرائم سیاسی به ویژه در واکنش نسبت به رفتار دادگاهها با اندیشه ورن و ناراضیان سیاسی. چنین قانونی فی الواقع به اجرا درآوردن یکی از اصول فراموش شده قانون اساسی جمهوری اسلامی بود. آنانی که در مجلس شورای اسلامی چنین لایحه ای را پیشنهاد می کردند می گفتند که وجود چنین قانونی "به تثبیت نظام سیاسی" مدد خواهد داد "راه را برای حکومت قانون خواهد کوبید و نتیجه اش سوق دادن نهضت های سیاسی به سوی فعالیت های مسالمت آمیز خواهد بود" "کثرتگرانی سیاسی را نهادینه خواهد ساخت" و "با مردمان معتقد به اخلاق و دارای محرک های قابل احترام چنان رفتار خواهد شد" که متمایز از دیگر مجرمان باشند. قانونی که بدین منظور در بهار از مجلس (شورای اسلامی) به درآمد علاوه بر تعریف "جرم سیاسی" لازم می دانست که چنین جرائمی با حضور هیئت منصفه به صورت علنی در دادگاه مدنی - و نه در دادگاه های اختصاصی همچون دادگاه انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت - مورد قضاوت قرار گیرند و مدت بازداشت پیش از محاکمه به ۱۵ روز محدود شود. قانون مذکور همچنین حق متهم را در داشتن وکیل مدافع در مرحله بازجویی پیش از محاکمه اعلام می داشت. مشکل است بتوان به اقدامی مهمتر و عاجلتر از این کار در زمینه تجاوز به حقوق بشر در عرصه سیاسی اشارت برد. در اواخر ژوئن شورای نگهبان لایحه را به عنوان آن که در "تعارض با قانون اساسی و خلاف شرع است" رد کرد.

۶۹ - نقش شورای نگهبان در بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابی جهت اشغال مناصب و مقامات در سال مورد گزارش در زمینه انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی مورد انتقاد مستمر واقع شد. قانون اساسی جمهوری اسلامی به شورای مذکور مسئولیت "نظارت بر انتخابات" را داده است. شورا به گفته منتقدانش "نظارت استصوابی" می کند به جای "نظارت استطلاعی" تا نامزدهایی را که با هنجارهای شورا در تطابق نیستند حذف کند. شورای موصوف دلایل رد صلاحیت نامزدها را ارائه نمی دهد اما به نوشته مطبوعات چنان می فهماند که موارد رد صلاحیت به خاطر دست داشتن در معاملات مواد مخدر و الکل بوده است و رابطه داشتن با سازمان تحریم شده مجاهدین خلق و یا گروه های سلطنت طلب و یا اقسام دیگری از ارتباطات نامشروع. رد صلاحیت افراد سرشناس اصلاح طلب به مانند فردی که از اعضای سپاه پاسداران یا وکیل پارلمان یا عضو شورای شهر تهران بوده موجب افتاده تا فرآیند این نظارت هرچه کم ارجتر شود.

۷۰ - وزیر کشور "رد غیر اصولی صلاحیت" نامزدها را محکوم کرد. وزارت خانه وی صلاحیت تنها ۳۴ نفر از نامزدهای انتخابات میان دوره ای را رد کرد در حالی که شورای نگهبان حدود ۱۰۰ تن یا بیش از یک چهارم مجموع نامزدها را فاقد صلاحیت اعلام داشت. منتقدان که در میان شان شماری از افراد مذهبی هم هستند به نوشته های کسانی که دست اندرکار تنظیم قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده اند اشارت می برند و می گویند شاهدهی در میان نیست که حذف نامزدهای مقامات سیاسی در ذهن طراحان قانون مذکور بوده باشد. دیگرانی هم هستند که می گویند این بر عهده مجلس شورای اسلامی است که قانون بگذراند و شرایط بنیانی لازم برای نامزد شدن جهت اشغال مقامات سیاسی را وصف کند.

۷۱ - تجدید انتخابات ریاست جمهوری در ژوئن ۲۰۰۱ گونه ای فروکش کردن اوجها بود. رئیس جمهوری درصدی فزونتر رایی از شماری کمتر از رایی دهندگان سال ۱۹۹۷ دریافت داشت و بیدرنگ تعهد خود را تایید کرد و گفت در نظر او اولویت نخست با "گستردن مردمسالاری است که شرط تحققش وجود آزادی بیان انتقاد و حتی اعتراض در محدوده قانون است".

هفتم - وضع اقلیتها

الف - اقلیت های مذهبی

۷۲ - نماینده ویژه وضع اقلیت های مذهبی را در گزارشهای پیشین خویش شرح داده است. در این زمان وی مایل است به ابتکاری از سوی حکومت اشارت برد که بنا بر دستور ریاست جمهوری "کمیته ملی اعتلای حقوق اقلیت های مذهبی" ایجاد شده است.

بنا به اظهار منابع حکومتی کمیته مذکور مسائلی را که اقلیتهای مذهبی با آنها مواجه هستند بررسی می کند و سیاستهایی را در جهت حل آن مسائل ارائه می دارد. گزارش شده که حضور نمایندگان اقلیتهای در جریان کار کمیته مورد سخن "تضمین شده است". ۷۳ - در گزارش حاضر نماینده ویژه توجه خویش را معطوف به سنیان بهائیان یهودیان و زردشتیان می دارد و مجتمع عیسویان را به گزارش بعدی خود موکول می سازد. بدان زمان وی به همچنین به مشکل "دیه" - یا خونبها - هم خواهد پرداخت که هم علیه زنان و هم علیه غیر مسلمانان موجب تبعیض می شود.

سنیان

۷۴ - حکومت تمایلی ندارد که سنیان را اقلیتی مشخص بشناسد و لیک مبرهن است که اینان با اشکال گوناگون تبعیض رویارویند به ویژه که به اقلیتهای نژادی هم تعلق داشته باشند. به عنوان مثال کردهای سنی مذهب سالهاست شکایت دارند که مسئولان از صدور پروانه ساختن مسجد برایشان و یا مرمت مساجد ایشان طفره می روند. اخیراً گزارش شده که ایذاء روحانیان سنی کرد از سوی دادگاه ویژه روحانیت متوقف گردیده است.

۷۵ - در ماه آوریل مطبوعات گزارش کردند که حدود سی تن از نمایندگان پارلمان نارضایی خویش را از وزارت آموزش و پرورش و امور خارجه بدان علت که این وزارتخانهها فرصتهای شغلی در اختیار سنی مذهبان نمی گذارند اعلام کرده اند. درخواست نمایندگان کرد در مجلس از رئیس جمهوری دائر بر اینکه وی مشاوری در امور کردها برای خود برگزیند نادیده گرفته شد. در خاتمه درخواست سنیان برای صدور پروانه ای جهت بنای مسجدی در تهران دیری است که همچنان معوق باقی مانده.

بهائیان

۷۶ - نگرانی از وضع حقوق بشر بهائیان همچنان در دستور کار نماینده ویژه است. با همه وعدههایی که داده شده نماینده ویژه آگاه است که بهائیان هنوز هم که هنوز است از تبعیض در پهنههایی و از آن جمله در آموزش استخدام سفر مسکن و برخورداری از امکان فعالیت های فرهنگی در رنجند. فی الواقع مجتمع بهایی همچنان از شرکت در گردهماییهای مذهبی و یا فعالیت های آموزشی ممنوع است.

۷۷ - دارایی بهایی همچنان مصادره می شود. گزارشهایی به نماینده ویژه رسیده که به موجبشان اموالی از این قبیل در کت [] در استان بویراحمدی مصادره گردیده است. در این نقطه در نخستین ماههای سال ۲۰۰۱ شماری از خانواده های بهائی به عنف و جبر ناگزیر از ترک خانه و مزرعه خود شده اند. طبق اطلاعات به دست آمده در طول سال ۲۰۰۰ چهار ساختمان در تهران مصادره شده است سه ساختمان در شیراز و یکی در اصفهان. همچنین اطلاع حاصل آمده که صدور پروانه کار برای بهائیان با تاخیر انجام می گیرد و برخی از دکانها و محل های کسب بهائیان تعطیل شده اند.

۷۸ - نماینده ویژه مایل است در خواست خود از حکومت جمهوری اسلامی در جهت به کارگیری توصیه های وی (سند شماره ۴۲۳/۵۳/۸ پاراگراف ۴۵) و نیز توصیه های گزارشگر ویژه پیرامون عدم تساهل مذهبی را موکد دارد و از حکومت بطلبد که به ویژه و به عنوان نخستین گام در پیمودن راه طولانی نشان دادن تعهد جمهوری اسلامی به "حقوق شهروندی":

اول - به بهائیان اجازه داده شود محل هایی برای دفن و حرمت نهادن بر مردگان خود داشته باشند. اندکی پس از انقلاب ۱۳۵۷ گورستانهای بهائیان ضبط شد و دیگر تا به اکنون مسترد نگردیده است. در سال ۲۰۰۰ قطعه زمینی را در آباده که بهائیان رسماً از آن به عنوان گورستان استفاده می کردند به زیر بولدورز انداختند.

در گزارش اخیر خود به کمیسیون نماینده ویژه از اطلاعاتی خبر داد که از منابع حکومتی دریافت داشته و مشعر بر آن است که به بهائیان اجازه داده خواهد شد گورستان خویش را در تهران دگرباره برپای دارند. از آنجا که ساختمانهای متعددی بر روی زمین گورستان قدیمی بنا شده است مقامات حکومتی ایران زمینهای دیگری را برای این کار تخصیص داده اند.

دوم - آزادی رفت و آمد بهائیان تضمین شود.

بنا به گزارش اگر چه به نمایندگان کنسولی ایران در خارج از کشور دستور داده شده که

سئوالات مربوط به مذهب از پرسشنامه های تقاضای صدور گذرنامه و رواید حذف شود ولیک این دستور در همه جا به یک شکل به اجرا در نمی آید. همچنین گزارش شده که بهائیان برای دریافت گذرنامه در ایران با دشواریهایی مواجه هستند.

سوم - امکان دستیابی به آموزش برای بهائیان تضمین شود.
بهائیان هنوز هم از دستیابی به آموزش عالی در موسسات رسمی دولتی محرومند. اخیراً سه اتاق درس که از سوی بهائیان برای هدفهای آموزشی مورد استفاده قرار می گرفتند توقیف شدند.

چهارم - امنیت افراد بهائی تضمین شود.

پس از گزارش آخرین خویش نماینده ویژه مطلع شد که حکم اعدام آقای موسوی طالبی در تجدید نظر به زندان ابد مبدل شده است و آقای منصور حدادیان آقای منوچهر صفائی و آقای ضیاء الله میرزاپناه از زندان آزاد گردیده اند. هفت تن بهائی در زندان باقی هستند و حداقل دو تن از اینان آقای بهنام میثاقی و آقای کیوان خلج آبادی به مرگ محکومیت یافته اند (پیوست یک دیده شود). نماینده ویژه نگرانی بسیار دارد که این دو فرد اخیر پنجمسال و نیم پس از ملاقات وی با آنها در زندان اوین هنوز در سلول محکومین به اعدام به سر می برند.

یهودیان

۷۹ - در ماه دسامبر نماینده یهودیان در مجلس شورای اسلامی نسبت به تبعیضهای اقتصادی دولت درباره استخدام همکیشان خویش صدا به اعتراض برداشت و گفت " من مخصوصاً می خواهم به این نکته اشاره کنم که کنار گذاشتن جوانان تحصیل کرده ما از استخدام دولتی ایجاد مانع در راه شرکت ایشان در دوره های تخصصی و فوق تخصصی و محروم ساختن آنان از دستیابی به تحصیلات عالی به خلاف هدفهای والای جمهوری اسلامی است".

زردشتیان

۸۰ - زردشتیان مجتمع خویش را متشکل از ایرانیان "خالص" می شناسند و مدعی اند که اینان تجلی دهنده میراثی پرافتخار هستند ولی و با همه این احوال ایشان نیز شکایت هایی دارند. از یکی از رهبران این گروه نقل شده که گفته است " در سالهای اخیر هیچ زردشتی به استخدام سازمانهای دولتی در نیامده است".

ب - اقلیتهای نژادی

آذربایجان

۸۱ - آذربایجان بزرگترین اقلیت نژادی ایرانند و شاید موفقترین آنان در پیوستن و همبسته شدن موفقیت آمیز به کل جامعه (سند شماره A/۵۵/۳۶۳ پاراگرافهای ۶۸ تا ۷۰ نگاه شود). با وجود این نغمه های آشکار نارضایتی اغلب به گوش می رسند. بنا به گزارش روزنامه های تبریز گروهی از آذربایجان شامل نمایندگان پارلمان استادان دانشگاه و اندیشه وران در نامه ای به رئیس جمهوری خواستار حقوق موسعتر در استفاده از زبان مادری خویش در زمینه آموزش و پرورش و رادیو - تلویزیون شده اند. اینان به رئیس جمهوری یادآور گردیدند که گاه در گفتارها واژه هایی بکار گرفته می شود تا هویت زبان و فرهنگ این اقلیت مورد استهزاء قرار گیرد.

کردها

۸۲ - در خصوص مجتمع کردها تحولاتی جالبی روی داده است (نگاه کنید به سند A/۵۵/۳۶۳ پاراگرافهای ۶۳ تا ۶۷). از این نکته بی اغازیم که پرسیزدنت خاتمی ظاهراً نخستین شخصیت سیاسی غیر کرد است که در میان کردها محبوبیت دارد. وی در انتخابات اخیر شمار بسیار معتنا بهی از آراء کردها را به کف آورد و انتصاب نخستین فرد کرد به عنوان استاندار کردستان نیز بر میزان محبوبیت وی افزود. این استاندار به توصیف یک روزنامه نگار کرد موفق شده است که "فرانید آشتی" را تسهیل کند و احساس امنیت بیشتر پدید آورد. به گفته یکی از فعالان اجتماعی کرد " اینک نفرت که باعث تفرقه خانواده می شد از میان رفته و توجه به مسائل اجتماعی تعالی گرفته است".

در این میانه در حال حاضر تجلی‌های فرهنگ کردی مورد تشویقند. زبان کردی هر هفته و هر ماه که می‌گذرد بیشتر و بیشتر بکار می‌رود دولت عهده‌دار برنامه‌ای برای تشکیل کلاسهای زبان مذکور شده است و دورنمای این مطلب به چشم می‌خورد که روزانه چندین ساعت برنامه کردی از تلویزیون سنج پخش شود. مجتمع کردها از نمایش فیلم "مستی اسبها" که بنا به گزارش رسیده نخستین فیلم به زبان کردی است به شوق آمده‌اند. این رویداد به یقین آغازی نیک است اما باید دید که تا چه میزان زبان کردی فی‌المثل در مدارس اجازه اظهار وجود خواهد یافت.

۸۳ - کردستان تقریباً بنا بر همه شاخصها مقام دوم را در میان استانهای فقیر دارد. از رکود اقتصادی از بیکاری و از مهاجرت به دیگر استانها سخن می‌رود. یکی از نمایندگان کرد در مجلس (شورای اسلامی) خواستار شده تا درباره مسائل فرهنگی اجتماعی و اقتصادی کردها با رئیس جمهوری به گفتگو نشیند. گزارش رسیده است که در ماه دسامبر تظاهراتی مسالمت آمیز از طرف دانشجویان کرد دانشگاه تهران از سوی پلیس برهم زده شد و طی آن گروهی بازداشت و شماری زخمی شدند.

۸۴ - یکی از خطوطی که باعث تفرقه در مجتمع کردها می‌شود مذهب است. اکثریت مجتمع که سنی مذهب است از رفتاری ملاحظت آمیز که با اقلیت شیعی مذهب کرد صورت می‌گیرد آزاده است و گفته‌های تندی که از زبان نمایندگان کرد در مجلس (شورای اسلامی) بیرون می‌آید به این مساله ربط دارد.

پ - سیاست ملی در باره اقلیتها

۸۵ - اقلیتها از شرائط فرهنگی و اقتصادی خویش به وضوح رنجیدگی دارند. اعضای جوان این مجتمعا هر چه بیشتر و بیشتر روی به مهاجرت به خارج می‌آورند. در یکی از روزنامه‌های ایران تخمین شده که سالانه ۱۵ تا ۲۰ هزار ارمنی از جمعیت سیصد هزار نفری کنونی این اقلیت به خارج هجرت می‌کنند. آنچه به نماینده ویژه درباره زردشتیان و یهودیان ارائه شده چشم اندازهایی به همین میزان تیره است.

۸۶ - در بسیاری از گزارشهای اخیر خویش نماینده ویژه پیشنهاد خود را برای تنظیم یک سیاست ملی درباره اقلیتها تکرار کرده است (نگاه شود به سند A/۵۵/۳۶۳ پاراگرافهای ۷۷ و ۷۹ و سند E/CN.۴/۲۰۰۱/۳۹ پاراگرافهای ۸۰ و ۸۱). یگانه گام مثبتی که برداشته شده و به آگاهی رسیده تشکیل "کمیته ملی اعتلای حقوق اقلیتها" مذهبی" است (نگاه شود به پاراگراف ۷۲ در فوق). سخنگویان اقلیتها نیز از سوی دیگر هر چه صریحتر تبعیضهایی را که به مردمشان به ویژه در عرصه اقتصادی تحمیل می‌شود مطرح می‌سازند. نماینده ویژه مصرانه از حکومت می‌خواهد که با صدور دستورهای صریح کمیته را مکلف سازد که نمایندگان اقلیتها را در جمع خویش وارد کند دستور کاری برای سه سال شامل مطالبی که باید بهشان پرداخت تنظیم نماید و تاریخهایی دقیق و استوار برای عرضه گزارشها همراه با توصیه‌های لازم به وزیران ذیربط معین و اعلام دارد.

هشتم - حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی

الف - اوضاع و احوال اقتصادی

۸۷ - کارشناسان چه در داخل و چه در خارج جمهوری اسلامی بر این قول متفقند که بزرگترین بحرانی که کشور با آن مواجه است اقتصاد است. در چهار سال نخست ریاست جمهوری آقای خاتمی ج تغییر عمده‌ای روی ننموده اما افزایش قابل اعتنای بهای جهانی نفت با بهبود بخشیدن به برخی آمارها بر ژرفای مساله سرپوش نهاده است. در زیر این سرپوش ساختار اقتصادی مدیریت مسکین میزان سرمایه گذاری و سرمایه گذاری مجدد اندک و خصوص سازی ناسنجیده ج موسسات تحت مدیریت حکومت ج همه دست به دست هم داده بر سنگینی بار دشواریهای اقتصادی و اجتماعی که اکثریت جامعه آن را بر دوش می‌کشد افزوده‌اند - در درجه نخست آن مردمی که در وضعی نیستند تا از فزونی گرفتن دلارهای نفتی منتفع شوند.

۸۸ - خشکسالی درازآهنگ و گسترده نیز اثری توانفرسا بر مردم و اقتصاد داشته است.

ب - وضع کارگران

۸۹ - ناآرامی در میان کارگران ایرانی روی به افزایش دارد. در مدت زمان موضوع

بررسی ما تظاهرات کارگری بیشتر متوجه به عدم پرداخت مزد بوده که گاه از ۱۲ ماه نیز تجاوز می‌کرده است. روزنامه‌ها گزارشهایی از ناآرامیها در تهران اصفهان خرم آباد و دیگر نقاط منتشر ساخته اند. تعطیل یک کارخانه نساجی در تهران بنا به گزارشها یکهزار و هفتصد نفر را بیکار کرده است.

۹۰ - در اوائل ژوئیه رئیس جمهوری ایجاد کار را "وظیفه‌ای خطیر و مهم" خواند و افزود که حکومت طرحی برای احیاء مجدد صنعت نساجی در خواهد انداخت. اما این کار آسانی نیست زیرا از اوایل سالهای ۸۰ سده گذشته این رشته تولیدی به سبب ورود منسوجات از خارج و آن هم بیشتر به صورت قاچاق در همه جای کشور روی به قهقرا داشته است. سالهای سال این صنعت که بیش از حد ضرور نیروی کار استخدام کرده بود با پرداخت یارانه از سوی حکومت حمایت می شد و اینک که حرکت به سوی خصوصی سازی آغاز شده ظاهر می شود که صنعت مورد سخن فی الواقع به چه اندازه ناتوان بوده است. یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ج که خود از رهبران کارگری است در اوایل ژوئیه به مطبوعات اعلام کرد که حدود ۱۴۰۰ شرکت که بطور عمده در بخش نساجی قرار دارند در موقع بحرانی هستند و مزد بیش از ۸۰۰۰۰ کارگر پرداخت نشده است. گزارش رسیده است که "خانه کارگر" که از سوی حکومت اداره می‌شود ظرف دو سال گذشته رقم اعتبار بودجه‌ای خویش را برای توزیع در میان کارگرانی که مزد دریافت نکرده‌اند از ۳۰ درصد به ۶۰ درصد افزایش داده است.

۹۱ - رسماً بیکاری شامل ۱۶ درصد از نیروی کار است و به حدود ۶ میلیون نفر بالغ می‌شود. طبق گزارشها دوسوم جمعیت کمتر از ۳۰ سال سن دارد.

۹۲ - از علل بیکاری بیشتر اوقات از بدی مدیریت در طی سالهای طولانی از عجز حکومت در ایجاد نظامی ملأئم سرمایه گذاری و از بیش از یک میلیون نفر پناهنده و بیگانگان دیگری که وارد نیروی کار شده‌اند یاد می‌شود. درباره علت اخیرالذکر نماینده ویژه اذعان دارد که کوششهایی که از سوی جمهوری اسلامی برای پذیراشدن از بیشترین جمعیت پناهنده در دنیا معمول گردیده منابع آن حکومت را تحلیل برده و کششهای اجتماعی پدیدار ساخته است. نماینده ویژه التفات دارد که پناهندگان افغانی بنا بر آنچه گفته می‌شود اکثراً به کارهایی می‌پردازند که ایرانیان از پرداختن به آنها می‌پرهیزند. افزون بر آن نماینده ویژه هشدار می‌دهد که تاکید بر بحثی از اینگونه به ناگزیر بر میزان نابردباری خواهد افزود و کششهای اجتماعی را تشدید خواهد بخشید. در این مقوله گزارشهایی در مطبوعات ایران به چاپ رسیده که از آن جمله است تظاهرات ضد افغانی در اصفهان در تاریخ ۲۷ ژوئن ۲۰۰۱.

۹۳ - بنابر گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در اواخر مه یکی از مقامات بالای سازمان مدیریت و برنامه ریزی نظری بسیار خوشبینانه نسبت به دورنمای استخدام ابراز داشت و پیش بینی کرد که در ۲۰۰۲/۲۰۰۱ بر اثر اقدامات گوناگون دولت و مکانیزمهای بازار ششصد هزار اشتغال جدید ایجاد خواهد شد. وی بویژه بر لزوم "منع کارگران بیگانه فاقد اجازه کار از کارکردن" (بخوانید: "افغانی عراقی و دیگر پناهندگان") بالا بردن امنیت سرمایه گذاری از راه افزایش ثبات حقوقی اجتماعی اقتصادی و سیاسی و تدوین قانون کار "مناسب" تاکید ورزید.

۹۴ - قانون کار فعلی ایران را گاه قانونی سخت می‌شناسند که عملاً اجازه اخراج کارگر را نمی‌دهد اما بنا به گزارشی در سال ۱۹۹۹ در مطبوعات رئیس آن زمان هیئت مدیره شورای اسلامی شهر تهران می‌گوید بین سال ۱۹۹۱ و ۱۹۹۷ حدود ۴۰۰۰۰ کارگر صنعتی اخراج گردیده‌اند. کارفرمایان راه گریز از مقررات قانون را یافته‌اند و فی‌المثل پیش از استخدام استعفانامه بدون تاریخ از کارگر می‌گیرند و یا قرارداد موقت استخدام می‌بندند و دولت هم "کوشش جدی در راه اعمال (قانون) به کار نمی‌برد". شخص مذکور نتیجه می‌گیرد که در "شرایط حاضر کارگران امنیت شغلی ندارند".

۹۵ - نیک آشکار است که به یک قانون جدید کار نیاز مبرم هست. قانونی که تعادل لازم میان نیاز به تجدید بنای اقتصادی و حد معقولی از امنیت شغلی را پدیدار سازد. به کارگران باید حق تجمع و تشکل و حق اعتصاب داده شود خواستی که در گردهمایی مسالمت آمیز کارگران در مقابل مجلس شورای اسلامی ج در روز اول ماه مه بالصراحه مطرح شد. نماینده ویژه بسیار شگفت آور می‌یابد که جمهوری اسلامی از پیوستگان به کنوانسیون شماره ۸۷ دفتر بین المللی کار درباره آزادی تشکل و حق سازماندهی که ۱۳۷ کشور دیگر آن را پذیرفته‌اند نیست. باید عنایت داشت که همان حقوق بنیادین

در ماده ۲۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که جمهوری اسلامی نیز آن را پذیرفته درج است.

پ - فقر

۹۶ - فقر چنان مساله ای شده است که دیگر نمی‌توان نادیده اش گرفت. در نیمه ماه آوریل پس از درگرفتن بحث حادی در تعریف اصطلاح روزنامه ها گزارش کردند که بنا به اعلام سازمان مدیریت و برنامه ریزی چهل درصد از ایرانیان در "فقر مطلق و نسبی" روزگار می‌گذرانند و شکاف میان داراییان و فقیران روی به فزونی دارد.

۹۷ - در نیمه مارس از رئیس جموری گزارش شد که گفته است: "من می‌دانم که بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم از سختیها در رنجند. غذایشان در سفره اندک است. اینان سخت می‌کوشند و در برابر پاداشی ناچیز می‌گیرند. ناتوانیهای ما مسائل و موانع ما و فشارها و نارسائیها و کمبودهای ما عمدتاً بر این بخش از جامعه اثر می‌گذارد". رئیس جموری قبول این نکته را اعلام کرد که تنها از راه افزایش فعالیت اقتصادی و بویژه رشد اقتصادی می‌توان با این معضل پنجه درافکند.

ت - ترغیب به سرمایه گذاری

۹۸ - بحث زیادی دور می‌زند در اطراف نیاز به اصلاح و نوع اصلاح لازم برای جلب سرمایه‌گذاری خارجیان و ایرانیان برونمرزی در جمهوری اسلامی. کوشش اخیر مجلس شورای اسلامی ج برای تصویب طرحی نو جهت قانون سرمایه‌گذاری خارجیان از سوی شورای نگهبان رد شد. البته اگر این طرح مآلاً هم پذیرفته شود خود به خود مسائلی را که گریبانگیر اقتصاد است حل نخواهد کرد. رئیس جموری خود نیاز به ساده کردن روشهای اداری ذیربط را شناخته است. بدانسان که گزارش می‌رسد تولید کنندگان در بخش خصوصی ناگزیرند بیش از پنجاه نوع مالیات/ عوارض بپردازند و مسائل عمیقتر هم می‌شوند. یکی از روزنامه های تهران اخیراً از قول یکی از اعضای کمیسیون برنامه ریزی و بودجه مجلس (شورای اسلامی) نوشته است: "نابسامانی کنونی مملکت ما را نمی‌توان تنها به مسائل اقتصادی محصور ساخت بلکه ریشه آن را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی هم می‌توان یافت. از همه اینها گذشته خودمان را گول نزنیم در کشوری که وزیری را در روز روشن کتک می‌زنند خیلی جالب است که ما انتظار جلب سرمایه های کارآفرین را داشته باشیم".

نهم - مطالب مهم دیگر

الف - سازمانهای ملی حقوق بشر

۹۹ - در ماه دسامبر ۲۰۰۰ مدیر اجرایی کمیسیون حقوق بشر اسلامی که در دانشگاه شیراز سخن می‌راند بنا به گزارشها به دانشجویان گفته است: "اگر کسی ادعا کند که در این مملکت هیچ مشکلی با حقوق بشر نیست یا بالکل بیخبر است و یا اگر نه شعار می‌دهد".

۱۰۰ - چند سالی است که نماینده ویژه پیرامون تحولات کمیسیون حقوق بشر اسلامی گزارش می‌دهد (برای مثال نگاه شود به سند E/CN.۴/۲۰۰۱/۳۹ پاراگرافهای ۱۱۷ تا ۱۲۱). به نظر می‌رسد که کمیسیون مذکور هر سال که می‌گذرد پیشرفت‌هایی می‌کند در حجم نامه‌هایی که دریافت می‌دارد در گستره برنامه‌های آموزشی‌اش و در صراحتی که در گزارشهای خویش به کار می‌برد پیرامون مسائل حقوق بشر در پاره‌ای از سازمانهای جمهوری اسلامی. گزارشهای کمیسیون موصوف می‌توانند باز هم در آمارهایی که منتشر می‌سازند دقیقتر شوند و توضیح بیشتری پیرامون راه چاره‌هایی که در اختیار شاکیان می‌نهند بر آنان عرضه کنند.

۱۰۱ - گزارش کمیسیون نامبرده برای مدت زمان میان

آوریل و نوامبر ۲۰۰۰ باز هم "مقامات قضائی عاری از صلاحیت" را به عنوان بزرگترین موضوع شکایتهای رسیده عنوان می‌کند. درباره عدم همکاری پاره‌ای از دستگاههای حکومتی مدیران اجرایی کمیسیون به مطبوعات گفته است که پیرامون فعالان ملی / مذهبی دستگیر شده مقامات قضائی حتی وصول نامه کمیسیون را هم اعلام نکردند و خانواده‌های آنان ناچار شدند که به سازمانهای حقوق بشر خارج از کشور تظلم برند.

۱۰۲ - در ماه ژوئن گزارش مطبوعات خبر داد که کمیسیون حقوق بشر مجلس شورای

اسلامی ج. پس از وقفه‌ای چندساله بار دیگر آغاز به کار کرده است. مدیر اجرایی کمیسیون حقوق بشر اسلامی از این رویداد اظهار مسرت کرد و گفت: " واضح است که تنها یک سازمان مستقل نمی‌تواند به تنهایی تمام این مسائل را حل کند". نماینده ویژه نیز از تجدید فعالیت کمیسیون حقوق بشر مجلس شورای اسلامی ج. خرسند است و با اشتیاق کار آن را دنبال می‌کند.

ب - ایران در نظام بین‌المللی حقوق بشر

۱۰۳ - ایران در سالهای اخیر در اجرای تعهدات خویش در قبال کنوانسیون بین‌المللی القضاء همه شکلهای تبعیض نژادی (International Convention Elimination on the of all Forms of Racial Discrimination) و کنوانسیون حقوق کودک در کمیته الغاء تبعیض نژادی و کمیته حقوق کودک حضور یافته است. نماینده ویژه در گزارش اخیرش به کمیسیون حقوق بشر به یافته‌های کمیته حقوق کودک اشارت برده و هم‌نوا با کمیته مذکور از حکومت جمهوری اسلامی خواستار است که ملاحظه‌های کلی و گسترده و بر عاری از دقت خود را پیرامون کنوانسیون حقوق کودک مورد تجدید نظر قرار دهد و بر طبق اعلامیه وین و برنامه کار (سند شماره E/CN.۴/۲۰۰۱/۳۹ تا پاراگراف‌های ۱۰۸ تا ۱۱۶) آنها را پس بگیرد.

۱۰۴ - در فاصله زمانی مورد بررسی کمیته متخصصان دفتر بین‌المللی کار که مسئول بررسی چگونگی اجرای کنوانسیونها و توصیه‌های دفتر نامبرده از سوی دولتهای عضو دفتر بین‌المللی کار است یک "ملاحظه موردی" منتشر ساخت درباره به کار گرفت کنوانسیون شماره ۱۱۱ راجع به تبعیض در استخدام از سوی جمهوری اسلامی. گفت و شنودی پردامنه درگرفته است میان دفتر بین‌المللی کار و حکومت ایران پیرامون حقوق برابر در هنگام استخدام بالاخص در باره زنان و اقلیتهای مذهبی شناخته شده و شناخته نشده بویژه بهائیان. یک هیئت دیگر از کارشناسان دفتر بین‌المللی کار قرار است در پاییز ۲۰۰۱ از جمهوری اسلامی دیدار کند.

۱۰۵ - نماینده ویژه بر آن است تا نگرانی خود را از این بابت اعلام دارد که مقامات ایرانی به نمایندگان برگزیده و مأمور از سوی مجتمع بین‌المللی بهائیان برای گردهمایی منطقه ای کنفرانس جهانی علیه تبعیض نژادی که در فوریه ۲۰۰۱ در تهران منعقد شد روایت ندادند. چنین رفتاری بالکل با مسؤلیتهای دولتی که میزبان یک گردهمایی ملل متحد است منافات دارد.

دهم - نتیجه گیریها و توصیهها

آزادی بیان

۱۰۶ - نتیجه گیری نماینده ویژه آن است که سرکوب بخش بزرگ مطبوعات که نقشی عمده در تلاش برای تحقق شیوه‌های بهتر و دلسوزانه تر حکمرانی می‌داشتند اثر منفی جدی بر اعتلای حقوق بشر در جمهوری اسلامی می‌داشته است.

۱۰۷ - توصیه نماینده ویژه آن است که روشهای خودکامه و کیفردهنده کنونی لغو شوند و برجایشان آئین دادرسی نشیند قابل پیش بینی همراه با هیئت منصفه و با اختیاری محدود که بتواند توقیف نشریه‌ای را حداکثر به مدت شش ماه توصیه کند.

وضع زنان

۱۰۸ - نتیجه گیری نماینده ویژه آن است که با وجود میل آشکار مردم ایران به اصلاح وضع حقوقی زنان حالی که در میان شاخه‌های حکومت در مورد اقداماتی محدود که تاکنون پیشنهاد شده است پدیدار آمده. و طی آن هیچیک از این شاخه‌ها قدرت تفوق بر دیگری را ندارد جمهوری اسلامی را به عنوان یک کشور در وضعی فوق العاده ناراحت کننده قرار می‌دهد.

۱۰۹ - توصیه‌های نماینده ویژه